

تشکلهای توده ای کارگران در محیطهای کار، راهی که باید پیمود!

امیر پیام

پنجشنبه دوم آبان ۱۳۸۷

بالاخره پس از نزدیک به سه سال تلاش شبانه روزی و نبرد خستگی ناپذیر کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، در تاریخ چهارشنبه اول آبان ماه ۱۳۸۷، سندیکای کارگران این شرکت با برگزاری مجمع عمومی و انتخاب اعضای هیئت مدیره رسماً تشکیل شد. طبق اطلاعیه مطبوعاتی «هیئت موسس سندیکای کارگران شرکت هفت تپه»، این انتخابات علی رغم «حضور پررنگ نیروهای امنیتی در طی مدت انتخابات» و پخش وسیع بخشنامه مسئولین کارخانه که کارگران را از «شرکت در انتخابات منع می کرد و انتخابات را منوط به دستور و اجازه اداره کار می دانست»، با حضور بیش از هزار نفر از کارگران و انتخاب اعضای هیئت مدیره با موفقیت انجام شد.

به این ترتیب پس از تشکیل سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، دومین تشکل توده ای طبقه کارگر ایران در برابر مخالفت ها و ستیزهای گسترده کارفرمایان و دولت و طبقه حاکمه علناً و رسماً تاسیس شد. خبرپرمسرت و شادی آفرین تشکیل سندیکای کارگران شرکت هفت تپه به همراه اخبار اعتصاب بیش از هزار و هفتصد نفر از رانندگان و کامیونداران زحمتکش خوزستان و طرح مطالبه ایجاد سندیکا از طرف آنان نشان می دهد که علی رغم همه تنگناهای سنگین و خرد کننده معیشتی و امنیتی، جنبش ایجاد تشکل های توده ای کارگران در محیطهای کار با گامهایی مطمئن و استوار در مسیر بی بازگشت خود پیش می رود.

اگرچه پیشروی تشکل های توده ای و ایجاد سندیکاهای کارگری نشانه بیداری طبقاتی و سر بلند کردن قدرت عظیم و فرو کوفته طبقه کارگر در ایران است و به همین دلیل فی نفسه مایه مباهات می باشند، اما در همین حال جنبه غرور آفرین روند پیدایش سندیکاهای کارگری در دوره تاریخی حاضر اینست که این تشکلات تماماً از پایین و با اتکا به عمل مستقیم توده های کارگر و اتخاذ اشکال مبارزاتی رادیکال و در مصاف آشکار با کارفرمایان و دولت و طبقه حاکمه راه خود را باز نموده و به کل مناسبات سیاسی و اقتصادی سرمایه داری ایران تحمیل می کنند. از اینرو این سندیکاهای مستقل از اینکه خودشان در باره خود چه می گویند و عمل خود را چگونه قضاوت می کنند، مهر رادیکالیسم طبقاتی را بر پیشانی دارند و متاثر از سنت های سوسیالیستی جنبش طبقه کارگرند.

ایجاد تشکلهای توده ای کارگران در محیطهای کار (سندیکا یا شورا) یک نیاز غیر قابل چشم پوشی و امری غیر قابل جایگزینی و ضرورتی طبقاتی است. قدرت طبقه کارگر در تعداد آن و در اختیار داشتن شریانهای اقتصادی جامعه بورژوازی است و این هر دو در محیطهای کار جاریست. قدرت کارگران در متشکل شدن توده ای و همگانی آنان در محیط های کار است. این قدرت با سازمان یافتن کارگران در محیطهای کار به فعل در می آید و آنوقت است که می تواند و قادر است و از این امکان واقعی برخوردار می شود تا با اعمال اراده طبقاتی خود بر شریانهای اقتصادی و تهدید نظم جامعه بورژوازی کارفرمایان و دولت و طبقه حاکمه را به عقب نشینی واداشته و یا به زانو در آورد. بنابراین تازمانی که جامعه سرمایه داری پابرجاست و تا روزی که نظام طبقاتی تداوم دارد، هیچ چیز نمی تواند جانشین تشکلهای توده ای

محیطهای کار شود و از هیچ طریق دیگر نمی توان قدرت توده های کارگرا را به فعل درآورد. معجزه ای در کار نیست و نمی توان اهمیت و قدرت سترگ تشکلهای توده ای محیط کار را نادیده گرفت و آنها را دور زد و برایشان جانشین و آلترناتیو ساخت.

جنبش کارگری ایران راه خود را برای ایجاد تشکلهای توده ای در محیطهای کار باز نموده و با درس گیری از هر تجربه گامی بلند به جلو برمی دارد. اما با وجود فعالیت های بسیار ارزنده و تلاش های خستگی ناپذیر و از خود گذشتن های بسیار، هنوز جای طیفی از فعالین سوسیالیست طبقه کارگر در روند ایجاد تشکلهای توده ای کارگران در محیطهای کار خالی است. اکنون پس از تجربیات پر هزینه سالهای اخیر دیگر واضح است که علت عدم حضور این طیف اساسا اینست که آنها در قالب کمیته های پیگیری و هماهنگی و اتحادیه آزاد، هریک برای تبدیل شدن خود به تشکلی سراسری از کارگران منفرد و خارج از محیطهای کار تلاش می کنند و عملا می خواهند از اینطریق جایگزین تشکلهای توده ای محیطهای کار شوند. طبعا هریک از این جریانات دلایل و استدلالهای خود را دارند. اما این جهتگیری نادرست از دو جنبه هم به جنبش کارگری بطور کلی و هم به گرایش سوسیالیستی آن بطور اخص کمک نمی رساند. اولاً در کوتاه مدت، عدم حضور با برنامه و سازمانیافته این فعالین در روند جاری ایجاد تشکلهای توده ای محیطهای کار، جنبش کارگری را از یک امکان بسیار مهم خود برای عمق و وسعت و سرعت بخشیدن به روند ایجاد تشکلهای توده ای در محیطهای کار محروم می کند. دوماً، در بلند مدت، تداوم جدایی جهتگیری کنونی آنها از جهتگیری عمومی جنبش کارگری در رابطه با مسئله ایجاد تشکلهای کارگری، از این خطر برخوردار است که به تناسبی که روند کنونی ایجاد تشکلهای توده ای در محیطهای کار وسعت یابد، این طیف فعالین سوسیالیست هم به حاشیه آن رانده شده و بی تاثیر شوند. از این دو نتیجه می توان و ضروری است که اجتناب نمود.

امیر پیام

۲۳ اکتبر ۲۰۰۸ - ۲ آبان ۷۸